

نقش آفرینی زنان در روایت و نقد حدیث

نگارنده: عبدالناصر امینی*

چکیده

روایت و نقد حدیث، که با دو اصطلاح روایت و درایت حدیث تبلور یافته، علمی دقیق و ژرف است، که مثل آن در درازنای تاریخ بشری در هیچ یکی از ادیان وجود و نمود نیافته است. این دانش گهرگون حاصل تلاش مردان و زنان بلند همت است، که برای به بارنشتن آن از هیچ کوششی فروگذار نکردند. سهم‌شدن زنان در این میدان، بیان‌گر درک والا و فهم عمیق این قشر جامعه به مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی‌شان بوده، که در مسیر آموزش، دعوت و اصلاح جامعه، به فراگیری، حفظ و نشر این علم مبارک پرداخته‌اند.

تحقیق پیش رو، که به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای شکل گرفته، در پی معرفی علم روایت و درایت حدیث و بیان اهتمام زنان به این علم والا است، و به نوعی به این دو پرسش پاسخ می‌دهد که: زنان چه سهمی در حفظ و نشر حدیث نبوی، که دومین منبع قانون‌گذاری در شریعت اسلامی است داشته‌اند؟ آیا روایات و نقد زنان از دیدگاه خبره‌گان و اصولیان حدیث قابل پذیرش است یا خیر؟

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: از بدو پیدایی و آغازین‌روزهای ظهور اسلام تا قرن‌های پسین، زنان هم‌گام با مردان به حفظ، روایت و نقد حدیث و اسناد آن پرداخته و هر بانوی محدث، علامه زمان خود بوده و مرجع هزاران شیخ و استاد حدیث بوده‌اند و نیز روایاتی که از ایشان نقل شده و نقدی که در رابطه با متن و یا راوی حدیث داشته‌اند، مورد پذیرش محدثان واقع شده و منابع حدیثی، از جمله صحاح سته، مملو از روایاتی است که از زنان نقل شده است.

واژه‌گان کلیدی: زنان، روایت، نقد حدیث، نقش آفرینی و تلاش‌ها.

* کادر اداری پوهنتون غالب هرات

مقدمه

علم روایت و درایت حدیث، در میان سایر علوم دینی، جایگاه ویژه و خطیری دارد. بیان اصول و ضوابط روایت، پذیرش یا رد آن، جرح و یا تعدیل راویان و رجال حدیث، از محورهای اصلی این دانش و میراث نبوی است. فراگیری این دانش و کسب مهارت در این حوزه کار نوابغ روزگار است. شاید این معجزه آخرین پیامبر باشد، که خداوند برای حفظ و صیانت ابدی شریعت او، علم روایت و درایت حدیث را پدید آورده و مردان و زنان توانمندی را از میان اُمّتاش برای پاسداری آن برگزیده است.

نوشتۀ حاضر، تلاش می‌کند با معرفی این دانش ارزشمند و ارائه نمونه‌هایی از سهم‌گیری زنان در حفظ، روایت و نقد حدیث، به نقش‌آفرینی آنان در این عرصه بپردازد و تبارز آنان را در این میدان واضح سازد.

نویسنده با تتبع و تفحص در کتاب‌ها و مقاله‌ها، نوشته‌یی به زبان فارسی به حیث پیشینه تحقیق که نسبتاً مرتبط با موضوع باشد، به‌دست نیاورد؛ به‌همین علت از منابع عربی استفاده کرده؛ از جمله: مقاله «المرأة و رواية الحديث» نوشته حصة عبدالعزيز محمد السويدی - استاد حدیث و تفسیر دانش‌کده فقه و قانون دانش‌گاه قطر - که در مجله الحضارة الإسلامية، شماره پنجم، شعبان ۱۴۱۹ هـ.ق. / نوامبر ۱۹۹۸ م. به چاپ رسیده است. نویسنده در پایان بحث می‌نگارد: «زنان در تاریخ اسلام خانه‌نشین محض نبوده و از متن زنده‌گی گوشه‌گیری نکرده‌اند؛ بل که همواره در میدان حوادث بوده و در ساختار اُمّت اسلامی نقش به‌سزایی داشته‌اند ... آنان در فراگیری علوم همواره کوشیده و در حوزه حفظ، روایت و علم درایت حدیث سرآمد روزگار خود بوده‌اند» (۸۶).

«دور المرأة في خدمة الحديث في القرون الثلاثة الأولى»، نوشته آمال قرداش بنت الحسین است، که در سلسله نشرات وزارت اوقاف و شئون اسلامی قطر، شماره ۷۰، سال نوزدهم، ربیع‌الأول ۱۴۲۰ هـ.ق. به چاپ رسیده است. بنت الحسین در نتایج تحقیق خود می‌نویسد: «خدمات و نقش‌آفرینی‌هایی که زنان در حوزه علم حدیث تقدیم کرده‌اند، تلاش‌هایی فردی بوده و از سوی نهاد و یا جهتی خاص، برنامه‌یی مدون و از پیش تعیین‌شده در این مورد وجود نداشته است» (۲۰۱).

«جهود المرأة في نشر الحديث و علومه» از عفاف عبدالغفور حمید، استاد مطالعات قرآن و حدیث دانش‌گاه اسلامی مالزی است، که در مجله دانش‌گاه ام‌القری مکه مکرمه، شماره ۱۹، رمضان ۱۴۲۸ هـ.ق. به نشر سپرده شده است. نویسنده در چکیده بحث می‌نگارد: «منابع آشنایی با تلاش‌های زنان در این حوزه، کتاب‌های تراجم / زنده‌گی‌نامه‌ها، تاریخ و روایات زنان در کتاب‌های شش‌گانه حدیث و استنباطاتی است، که از محتوای روایات آنان صورت گرفته و مرجع استدلالی فقیه‌ها است» (۱).

هدف این تحقیق، که به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای شکل گرفته، این است که علم روایت و درایت حدیث را معرفی کند و اهتمام زنان به این علم والا را بیان دارد و به نوعی به این دو پرسش پاسخ دهد که: زنان چه سهمی در حفظ و نشر حدیث نبوی، که دومین منبع قانون‌گذاری در شریعت اسلامی است داشته‌اند؟ آیا روایات و نقد زنان از دیدگاه خبره‌گان و اصولیان حدیث قابل پذیرش است یا خیر؟

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: از ابتدای ظهور اسلام تا قرن‌های پسین، زنان هم‌گام با مردان به حفظ، روایت و نقد حدیث و اسناد آن پرداخته‌اند. هر بانوی محدث، علامه‌ زمان خود و مرجع هزاران شیخ و استاد حدیث بوده‌اند. نیز روایاتی که از ایشان نقل شده‌است، و نقدی که در رابطه با متن و یا راوی حدیث داشته‌اند، مورد پذیرش محدثان واقع شده و منابع حدیثی، از جمله صحاح سته مملو از روایاتی است، که از زنان نقل شده است. حال امید می‌رود نشر این تحقیق تشویق و انگیزه‌ی برای بانوان امروز باشد، تا در فراگیری و کسب تخصص در حوزه‌های مختلف علوم دینی تلاش نمایند و به اندک اندوخته‌های معرفتی دینی اکتفا نکنند.

مفهوم‌شناسی روایت و نقد حدیث

علوم و معارف حدیثی، مجموعاً به دو شاخه تقسیم می‌شود؛ یکی روایت و دیگری درایت حدیث، و دومی حیثیت اساس و زیربنا را برای اولی دارد؛ بر همین مبنا برخی از دانش‌مندان، درایت حدیث را اصل و روایت حدیث را فرع نامیده‌اند. روایت، شامل روایت حدیث بوده و نقد حدیث (جرح و تعدیل) شامل علم درایت حدیث است.

درایت حدیث در اصطلاح به رشته‌ی قواعدی اطلاق می‌شود، که از احوال روایت‌کننده (راوی) و از خصوصیات روایت‌شده (مروی) از حیث پذیرش یا رد آن بحث می‌کند (عثمانی؛ ۱۳۹۲: ۲۳). ذیل این مطلب از مفهوم لغوی و اصطلاحی حدیث، روایت و نقد حدیث بحث خواهد شد.

الف) مفهوم حدیث؛ واژه حدیث از ریشه «حَدَّثَ»، به معنای جدید و هر آن‌چه که ضد قدیم باشد است و نیز عبارت‌است از هر کلامی که به‌وسیله آن سخن گفته شود، و خبری که نقل گردد. (فیروزآبادی؛ ۱۴۲۶: ذیل حدث)؛ در اصطلاح به معنای قول، عمل، تأیید و صفتی است که به پیام‌بر صلی‌الله علیه و سلم و یا قول و عملی که به صحابی یا تابعی نسبت داده شود (غوری؛ ۱۴۳۷ق: ۱۳).

ب) مفهوم روایت؛ روایت در لغت به معنای نقل و یا حمل گفتار به شخصی دیگر است (ابن منظور؛ ۱۴۱۴ق: ۱۴ و ۳۴۸)؛ یعنی کسی از شخص دیگری روایتی بشنود و آن را نزد خود محفوظ داشته برای دیگران نقل کند و اصطلاحاً روایت در حوزه علم حدیث به معنای: «حمل و نقل حدیث با نسبت‌دادن آن به شخصی است که از او اخذ شده است» (سیوطی؛ ۱۴۱۴: ۱ و ۲۶).

اصطلاح «روایت حدیث» به معنای: علمی است که به وسیله آن اقوال، افعال، احوال و تأییدات پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت و شناخته می‌شوند (احمدیان؛ بی تا: ۴۰).

ج) مفهوم نقد حدیث؛ نقد حدیث در اصطلاح محدثان و خبره‌گان دانش رجال‌شناسی به جَرَح و تعدیل تعبیر شده است. جَرَح، از باب فَعَلَ یَفْعَلُ، معانی لغوی متعددی دارد که از آن جمله زخم بدنی و زخم زبان (طعنه) است و تعدیل، مصدر باب تفعیل، از ریشه عَدَلَ (ضد ظلم و جور) است. عَدَلَ، به معنای اقامه یا راست کردن چیزی که منحرف و کج شده است (جوهری، ابن منظور و فیروزآبادی؛ ذیل جرح).

مراد از جرح در علم رجال، خدشه وارد کردن به عدالت یا ضبط راوی یا هر دو ویژگی یادشده است؛ به طوری که در نتیجه این جرح، حدیث و روایت او ناپذیرفتنی تلقی شود (اعظمی؛ ۱۴۲۰ق: ۱۱۴)؛ تعدیل در اصطلاح علم حدیث به معنای صحه گذاشتن بر عدالت راوی و شاهد است، که موجب پذیرفته شدن حدیث، یا شهادت وی می‌گردد (عتر؛ ۱۴۲۲: ۵۷).

توجه اسلام به آموزش زنان

اولین آیاتی که جهت پایه‌ریزی و بنیان‌گذاری دین مبین اسلام بر پیامبر (ص) نازل شد؛ در واقع برای انسان‌ها خط مشیی حکیمانه بوده همه را بدون تمایز میان جنسیت‌ها به آموزش و تعلیم فراخواند: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۱-۵). ترجمه: (ای پیامبر) بخوان به نام پروردگارت که (هستی را) آفرید. (همان خدایی که) انسان را از خون بسته آفرید. بخوان و پروردگارت (از همه) بزرگ‌وارتر است. (همان) ذاتی که به وسیله قلم (نوشتن) آموخت. به انسان آنچه را که نمی‌دانست آموخت.^۱ این آیات برای انسانیت پیامی بی‌نظیر دارد، که باید بار رسالتی سترگ را به دوش بکشند و آغازین‌هنگامه آن با آموزش و زدودن جهل آغاز می‌گردد.

یقیناً که در این مسیر، دو طیف زن و مرد، بار هم‌سانی را متحمل خواهند شد، و هرگز بار معنایی آیات، زنان را در درجه دوم قرار نداده است؛ بل که به حکم تأثیرگذاری عمیقی که در رشد و پویایی جامعه دارند، حتا می‌توانند گوی این میدان را از مردان برابند.

پیامبر خدا به حیث مبلّغ و پیام‌آور وحی، در زنده‌گی بیست‌وسه ساله پس از بعثت، کوشید زنان را به سوی قابلیت‌های آموزشی و تعلیمی سوق دهد، تا بتوانند از ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و استعداد خود استفاده کنند و در حوزه‌های مختلف زنده‌گی، میادین و مجال‌های بارزی را برای خود بگشایند. با

^۱ همه ترجمه‌های فارسی متون عربی این مقاله، از آن نگارنده‌است، برای جلوگیری از تکرار، پس از این در متن ذکر نمی‌شود.

نگاهی گذرا به کتاب‌های سیرت و تاریخ، مشاهده می‌کنیم، که مجالس خاصی برای زنان دایر می‌کند تا مسائل دینی، عقیدتی و امور مهم زناشویی را بپرسند؛ لمحہ‌یی پیرزنی در گوشه‌یی دستش را گرفته و دادخواستش را مطرح می‌کند؛ گاهی ایشان به تفقّد و احوال‌پرسی مادری می‌شتابد و هر از گاهی زنان به مجلس و یا حجره‌های امهات‌المؤمنان می‌آیند و مستقیماً پرسش خود را مطرح می‌کنند و پاسخ را از ایشان می‌جویند و پیام‌بر پاسخ می‌دهد و دعا و نصیحتش را از آنان دریغ نمی‌کند (بنت‌الحسین؛ ۱۴۲۰ق: ۳۶).

این تکاپو و تلاش پیامبر (ص) برای رساندن زن به مقام شایسته و بایسته‌اش و درهم‌شکستن رواج‌های جاهلیت بود، که مردمان آن روزگار سیاه، هیچ حقی برای زنان قائل نبودند. عمر رضی الله عنه می‌گوید: «قسم به خدا، ما در عصر جاهلیت برای زنان هیچ حقی قائل نبودیم، تا این‌که خداوند برای شان (آیاتی) نازل کرد و هر آن‌چه می‌خواست برای‌شان سهم داد» (بخاری؛ ۱۴۲۲ق: ۷ و ۱۵۲).

اهمیت حفظ و انتشار حدیث در عصر نبوت

حفظ و انتشار حدیث در زمان حیات پیامبر (ص) از اهمیت فوق‌العاده‌یی برخوردار بوده است؛ زیرا این منبع فیاض دینی به حیث دومین مرجع دین اسلام معرفی شده است و نیز استفاده از مرجع اول «قرآن» و سایر منابع دینی نیز موقوف به فهم و درک حدیث و سنت می‌باشد. قرآن کریم در آیات متعددی این مأموریت پیامبر (ص) را ابلاغ می‌کند، که با قول، فعل و تأییدات خویش (حدیث و سنت) مطالب و معارف قرآن را بیان نماید. «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴). ترجمه: «و (ما این) قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آن‌چه را که به‌سوی آن‌ها نازل شده است، و باشد که آن‌ها بیندیشند»؛ نیز مسلمانان به حکم آیه «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷). ترجمه: «و آن‌چه که رسول‌الله (ص) به شما بدهد، آن را بپذیرید، و از آن‌چه که شما را از آن نهی کرده است؛ پس خودداری کنید»؛ مردان و زنان مأمور استند که امر و نهی پیامبر را کاملاً اطاعت کنند و حکم این مأموریت وجوبی و الزامی است.

بنابر همین اهمیت و جای‌گاهی که حدیث دارد، پیامبر (ص) نیز به حفظ و فراگیری حدیث ترغیب می‌کرد؛ چنان‌که می‌فرماید: «نَظَرُ اللَّهِ أَمْرًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها وَحَفَظَهَا وَبَلَّغَهَا» (الترمذی؛ ۱۳۹۵: ۵ / ۳۴). ترجمه: «خدا بنده‌یی را شادمان و خنده‌رو سازد، که گفته مرا می‌شنود، آن را دانسته و حفظ می‌کند و به دیگران می‌رساند»؛ بناءً یاران پیامبر - زن و مرد - به فراگیری، حفظ و انتشار احادیث و سنت‌های پیامبر اکرم اهمیت داده می‌کوشیدند با حضور در مجالس پیامبر (ص) و استماع اقوال ایشان، در این حوزه از یک‌دیگر سبقت بجویند.

مشارکت زنان در مجالس و تجمعات عصر نبوت

حمایت‌های معنوی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از زنان، زمینه‌ساز مشارکت آنان در مجالس و تجمعات عصر نبوت شده بود، و آنان را در کسب دانش و فراگیری معارف نبوی سهیم کرد. هیچ‌کس حق ممانعت آن‌ها را نداشت؛ زیرا پیامبر حضور شان را با این فرموده خود «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ» (سجستانی؛ ۱۹۸۱: ۱ / ۱۵۵)، ترجمه: «کنیزان خدا را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید»، مسجل فرموده بود؛ بدین ترتیب، زنان در نمازهای جماعت روزانه، اعیاد و مراسم حج حضور می‌یافتند. ام هشام بنت حارث نقل می‌کند، که سوره «قی والقرآن المجید» را از رفت‌وآمد بسیار به مسجد و شنیدن مکرر آن از پیامبر، حفظ کرده است (نیشابوری؛ ۱۹۸۱: ۱ / ۴۴).

یکی از مظاهر بارز مشارکت زنان در تجمعات عصر نبوت، حضور فعال آنان در عرصه فراگیری و تبلیغ حدیث است، که زنان خود را همتای مردان دانسته و در کسب این دانش، که منبع دوم شریعت و قانون‌گذاری در حیطه شناخت حلال و حرام و فراخوانی به سوی نیکی‌ها و فضایل است، از هیچ کوششی دریغ نکردند. بانوان عصر نبوت به صورت مداوم و پی‌گیر به حفظ احادیث نبوی می‌پرداختند؛ گاهی حدیث را به صورت مستقیم از پیامبر استماع و یا گاهی نیز بالواسطه از شوهران خود دریافت می‌کردند.

عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند، باری زنی انصاری نزد پیامبر شرفیاب شده و در رابطه با غسل حیض پرسید. پیامبر وی را راه‌نمایی کرد و از عایشه می‌خواهد در آموزش این زن هم‌کاری نماید. عایشه در ستایش زنان انصاری، که شرم مانع پرسش آن‌ها نشده است و بدون هراس سؤالات خویش را می‌پرسند، می‌گوید: «نِعَمَ النِّسَاءُ نِسَاءَ الْأَنْصَارِ؛ لَمْ يَكُنْ يَمْنَعُهُنَّ الْحَيَاءُ أَنْ يَسْأَلْنَ عَنِ الدِّينِ وَيَتَفَقَّهُنَّ فِيهِ (البرماوی؛ ۲۰۱۲م: ۱۱۵/۲)». ترجمه: «زنان انصار به‌ترین زنان هستند، شرم و حیا آنان را از پرسش درباره مسایل دینی باز نمی‌داشت».

صحیحین (بخاری و مسلم) از ابو سعید خدری روایت کرده‌اند، که زنی نزد پیامبر آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا! مردان همه سخن شما را نصیب خود کرده و بردند، پس برای ما نیز روزی را قرار ده که به حضور شما برسیم تا از آن‌چه خداوند به شما آموخته است، به ما تعلیم دهی». حضرت پیامبر فرمود: «فلان روز، در فلان‌جا اجتماع کنید». آنان نیز در وقت مقرر گرد آمدند و پیامبر از آن‌چه خداوند به او تعلیم داده بود به آنان آموخت (بخاری؛ ۱۴۳۲ق: ۱۰۱/۹ و نیشابوری؛ ۱۹۸۱م: ۴ / ۲۲۸).

ابن عباس روایت می‌کند، باری زنی از محله خشعم [که فاصله زیادی از مدینه دارد] نزد پیامبر آمد و پرسید: ای رسول خدا! فریضة حج بر پدرم واجب شده؛ اما او پیر و ضعیف است و توان سفر و

نشستن بر سواری را ندارد، آیا من به عوض وی به حج بروم؟ پیامبر فرمود: بله (بخاری؛ ۱۴۲۲ق: ۱۶۳/۲).

روایت‌های متعددی از این دست وجود دارد، که بیان‌گر حضور فعال زنان در مجالس علمی عصر نبوت است و آنان در سماع و حفظ احادیث پیامبر بر یک‌دیگر سبقت می‌جستند و هر یک گنجینه‌یی از روایت‌ها را نزد خود محفوظ داشته و به تعلیم و نشر آن همت می‌کرد.

طبقات راویان زن در سه قرن اول هجری

شرح حال‌نویسی به روش طبقات، فن خاصی است، که مسلمانان قرن‌های اولیهٔ اسلام از آن کار گرفته‌اند، تا شرح حال یا بیوگرافی افراد را در حوزه‌های مختلف، مثل طبقات مفسرین، طبقات فقها و مجتهدین و طبقات راویان در تصنیفی خاص گردآورند. طبقات جمع طبقه از مادهٔ «طبق» گرفته شده و در لغت، طبق من الناس، یعنی جماعتی از مردم و طبقات الناس به معنای اصناف و طبقات مردم است. طبقه بنابر قول ابن عباس محدوده‌ی زمانی ۲۰ ساله را دربر می‌گیرد؛ یعنی هر ۲۰ سال یک طبقه. در تعریف اصطلاحی طبقات گفته شده: «طبقه گروهی که از حیث سن و سند حدیثی و یا فقط سند حدیثی باهم نزدیک باشند» (طحان؛ ۱۴۲۵ق: ۲۸۰). این فن ابتکاری منحصر به فرد در جریان ثبت و ضبط داشته‌های تمدنی تاریخ اسلام به شمار می‌آید و طلایه‌داران این حرفه هیشم بن عدی، واقدی، محمد بن سعد و... بوده‌اند.

از آنجایی که شمار راویان حدیث به صورت طبقات گردآوری شده، در کتاب‌های طبقات تمایزی بین راویان مرد و زن وجود ندارد؛ چنان‌که راویان مرد یک طبقه را گردآورده‌اند؛ به همان صورت راویان زن نیز ذکر شده است. در این مطلب برخی از راویان زن را با تفکیک دو گروه: راویان زن صحابی، راویان زن تابعی (قرن دوم و سوم هجری)، را از طبقات مختلف معرفی خواهیم نمود.

۱. راویان زن صحابی

صحابی به فردی گفته می‌شود، که در حال بیداری پیامبر را ملاقات کرده، به ایشان ایمان آورده و با ایمان وفات کرده باشد (العسقلانی؛ ۱۴۲۱: ۱۱۱). این تعریف، شامل صحابی مرد و زن است؛ براین اساس، زنان بی‌شماری از مجموعهٔ صحابه به شمار می‌آیند؛ چنان‌که قبلاً نیز اشاره رفت، زنان نیز هم‌گام با مردان در کسب حدیث از پیامبر و نقل و روایات هم‌کار بوده‌اند؛ حتا برخی از زنان مثل هم‌سران پیامبر از مکثرین راویان - کسانی که بیش‌ترین روایت را دارند - به شمار می‌روند. ابن جوزی تعداد راویان صحابه - زن و مرد - را ۱۸۵۸ نفر گفته، که از این میان ۱۶۴۲ راوی مرد و ۲۱۶

راوی زن استند. نیز در کتابهای صحاح سته از ۱۳۲ راوی زن صحابی حدیث نقل شده است (همان: ۱۱۱).

در میان راویان زن صحابی، همسران پیامبر به‌ترین الگو و نمونه در حوزه فراگیری و نشر علم و دانش بودند. خصوصاً همراهی و مصاحبت شبانه‌روزی شان با پیامبر، زمینه سماع و نقل حدیث را نسبت به دیگران برای آن‌ها بیش‌تر مساعد می‌کرد. امهات المؤمنان، نقش محوری بی در تبلیغ دین و نشر سنت نبوی در میان مردم، خاصاً قشر زن داشتند. اتاق‌ها و حجره‌های هر یکی از همسران پیامبر به سان مدرسه‌یی بود که ره‌پویان دانش از اقصی نقاط بلاد اسلامی برای کسب دانش و سماع و روایت حدیث بدان‌جا مراجعه می‌کردند.

زمانی که پیامبر بدردود حیات گفت، نه نفر از همسرانش حیات داشتند و هر یک آنان به‌ترین گواه و شاهد لحظه لحظه زنده‌گی معیشتی و عبادی پیامبر بوده از جزئیات زنده‌گانی کریمانه ایشان با خبر بودند. این بانوان گرامی جای‌گاه ویژه‌یی نزد یاران پیامبر داشتند و در مسائل خاص خانواده‌گی، عبادی، اخلاقی و ... جز ایشان، از کس دیگری استفتاء / طلب فتوا نمی‌شدند. ذیل این مطلب شرحی گذرا از نقش آفرینی حدیثی برخی از این بانوان / امهات المؤمنان گران‌ارج ذکر می‌گردد.

۱. عایشه بنت ابوبکر؛ از راویانی است که بیش از دوهزار روایت از پیامبر نقل کرده و مُسندی که از وی روایت شده، ۲۲۱۰ حدیث دارد و در این زمینه گوی سبقت را از دیگران ربوده است. وی از شمار هفت راوی - ابوهیره، سعد، جابر، انس، عایشه، ابن عباس و ابن عمر - است که بیش‌ترین روایات را دارند؛ به تعبیری از مکتب‌ترین راویان به شمار می‌روند (ذهبی؛ ۱۴۲۷ق: ۳ / ۴۲۸).

این بانوی گرامی در حوزه‌های علم قرآن، حدیث، فقه، شعر، تاریخ و انساب عرب از نوابغ بود و بسیاری از مشایخ و بزرگان صحابه در قضایا و مباحث پیچیده علمی به وی مراجعه کرده و حل مسأله را از ایشان جویا می‌شدند. ابو موسی اشعری می‌گوید: «هر امر پیچیده و مشتبه‌یی که برای ما - یاران محمد - پدید می‌آمد، قطعاً پاسخ و راه حل آن را نزد عایشه می‌یافتیم (ترمذی؛ ۱۹۹۸م: ۱۸۸/۶). بسیاری از صحابه از جمله ابوبکر، عمر، ابوهیره و ... و از تابعین مسروق، سعید بن مسیب، شعبی، مجاهد و ... از شاگردان عایشه به شمار می‌آیند، و مستقیماً از وی حدیث نقل کرده اند. تابعی بزرگوار مسروق بن الاعدع می‌گوید: «بسیاری از مشایخ و بزرگان صحابه را دیدم، که در رابطه با علم فرائض / میراث از عایشه سؤالاتی می‌پرسیدند» (الحاکم؛ ۱۴۱۱: ۴ / ۱۲).

۲. ام سلمه (هند بنت ابو امیه قریشی - مخزومی)؛ راوی ۳۷۸ حدیث و پس از عایشه رتبه دوم حفظ و روایت حدیث را دارد. بخاری و مسلم متفقاً سیزده حدیث از وی در کتابهای صحیح خود درج کرده اند. بیش‌تر روایاتی که از این بانو نقل شده، متعلق به حوزه‌های احکام، تفسیر، آداب، ادعیه

و... است. بسیاری از زنان و مردان صحابه و تابعین از بلاد مختلف شاگرد و راوی احادیث منقول از ایشان استند (المزی؛ ۱۹۸۸م: ۳۵ / ۳۱۹).

۳. میمونه بنت حارث هلالی؛ راوی ۷۶ حدیث و با ام حبیب و حفصه، رتبه سوم روایت را در میان همسران پیامبر دارند. در کتاب‌های شش‌گانه حدیثی / صحاح سته، ۳۱ حدیث از وی نقل شده بخاری و مسلم متفقاً ۷ حدیث از ایشان روایت کرده‌اند (المزی؛ ۱۹۹۹م: ۴۸۴/۱).

۴. ام حبیب بنت ابوسفیان؛ ۶۵ حدیث از پیامبر روایت کرده و در صحاح سته، ۲۹ حدیث دارد. برادرش معاویه و دو خواهرزاده‌اش عبدالله و عروه بن زبیر، از وی حدیث روایت کرده‌اند (ذهبی؛ ۱۴۲۷: ۲ / ۲۱۹).

۵. حفصه بنت عمر؛ راوی ۶۰ حدیث است، و در صحاح سته، ۲۸ حدیث از وی روایت شده است. احادیث این بانو، حول محورهای طهارت، روزه، مناسک حج، آداب، طب، تعبیر خواب و ... نقل شده است. همچنین چند روایت منحصر به فرد در رابطه با حکایت ابن‌الصائد و خروج دجال دارد، که غیر از او، از کس دیگری نقل نشده است (بنت‌الحسین؛ ۱۴۲۰: ۸۲).

به همین ترتیب، هر یک از همسران پیامبر سهم بارزی در نشر و روایت احادیث گران‌بهای حضرت ختمی مرتبت داشته در این مجال، نقش آفرینی شان هرگز کم‌تر از مردان نبوده است. سایر زنان صحابی، از جمله: فاطمه بنت پیامبر، ام فضل، لبابه بنت حارث الهلالیه، اسماء بنت ابوبکر، اسماء بنت یزید بن سکن، اسماء بنت عمیس، ام هانی بنت ابوطالب، فاطمه بنت قیس، ام سلیم بنت ملحان و... از طلایه‌داران و راویانی‌اند، که در کتاب‌های معتبر حدیثی از ایشان روایت‌های بی‌شماری منقول است (همان؛ ۱۰۸).

۲. راویان زن تابعی (قرن دوم و سوم)

تابعین، طبق فرموده پیامبر، به‌ترین مردمان بعد از صحابه هستند: «خیر امتی قرنی ثم الذین یلونهم...» به‌ترین مردمان امتم کسانی هستند که در قرن من می‌باشند، سپس کسانی که بعد از آن‌ها می‌آیند» (بخاری؛ ۱۴۲۲ق: ۵ / ۲). به موجب این حدیث، طبقه تابعین از حیث جای‌گاه و منزلت، رتبه دوم پس از صحابه را دارند. خطیب بغدادی تابعی را چنین تعریف کرده: «کسی که با صحابی ملاقات و مصاحبت طولانی مدت داشته باشد» (به نقل از السیوطی؛ ۱۴۱۴ق: ۲ / ۳۲۴). بر خلاف تعریف صحابی، که با یک‌بار ملاقات شرف صحابی‌بودن به دست می‌آید، وی مصاحبت و معیت طولانی‌مدت را برای کسب تابعی‌بودن لازم می‌داند؛ اما سایرین مثل حاکم، نووی، ابن حبان بستی و... معتقد‌اند، که با یک‌بار ملاقات نیز تابعی‌بودن حاصل می‌شود (همان؛ ۲ / ۳۲۴).

در قرن اول، گرچه بسیاری از صحابه حیات داشتند؛ بازهم زنانی از تابعین در روایت و درایت حدیث به شهرت رسیده‌اند، که از جمله می‌توان: خیره مادر حسن بصری، زینب بنت کعب بن عجره هم‌سر ابو سعید خدری، صفیه بنت ابو عبید بن مسعود هم‌سر عبدالله بن عمر، زینب بنت نبیط هم‌سر انس بن مالک و ام کلثوم بنت ابوبکر صدیق را نام برد.

قرن دوم و سوم هجری قمری، عصر شکوفایی علم روایت و درایت حدیث و آغاز نهضت تألیف و تصنیف در این حوزه است. در قرن دوم راویان زن بسیاری دیده می‌شود، که اکثر آن‌ها شاگردان مادر مؤمنان عایشه و ام سلمه استند و یا از خویشاوندان شان که صحابی است و یا از خلفای راشدین روایت می‌کنند. از راویان مشهور این قرن، حفصه بنت سیرین، عمره بنت عبدالرحمن، عایشه بنت طلحه، معاذة بنت عبدالله العدویه، حفصه بنت عبدالرحمن بن ابوبکر، حبابه بنت عجلان و ... جزء مکتربین راویان و از ثقات / معتمدین محسوب می‌شوند.

در قرن سوم، که کتاب‌های شش‌گانه حدیث تدوین شد و خبره‌ترین ائمه حدیث قدم به میدان روایت و درایت گذاشتند و بحث جرح و تعدیل اسناد و تاریخ رجال شهره گشته بود، در این فضای علمی که ائمه حدیث روایات را با قواعد و معیارهای بسیار سخت‌گیرانه‌یی می‌پذیرفتند؛ بازهم زنانی خبره و کارکشته به میدان آمدند و در روایت حدیث سرآمد عصر خویش گشتند؛ از جمله: نفسیه بنت حسن نواده علی بن ابی طالب، فاطمه بنت امام مالک بن انس، خدیجه ام محمد، زینب بنت سلیمان الهاشمیه، زینب بنت سلیمان بن ابو جعفر المنصور، ام عمر الثقفیه، اسماء بنت أسد و... (بنت الحسین؛ ۱۴۲۰ق: ۱۲۱).

راویان زن در قرن‌های بعدی

چنان‌که در سه قرن اول طلوع اسلام، زنان بسیاری در حوزه روایت و پژوهش حدیث سرآمد بودند؛ به همین ترتیب در قرن‌های بعدی نیز صفحات هیچ عصر و برهه‌یی از تاریخ، از نام مشاهیر زنان خالی نیست، که در زمینه علوم حدیثی، نقشی مانده‌گار از خود به جای نگذاشته باشند. باید اعتراف نمود، که تتبع و گردآوری اسامی و شرح حال تمامی این زنان نامور، کاری بس دشوار است؛ اما بازهم در حد توان نام تعدادی را از مشهورترین آنان ذکر خواهیم کرد.

به عنوان نمونه از قرن چهارم تا قرن هشتم، امه الواحد بنت الحسین - از راویان و فقههای مشهور مذهب شافعی -، محدث نیشابور جمعه بنت احمد بن محمد، ام الکرام کریمه بنت احمد مروزی - سماعی و خطیب بغدادی شاگرد وی استند و از او حدیث نقل کرده اند -، ام الفضل بی بی بنت عبدالصمد هروی - شاگردان وی بسیار استند از جمله، عبدالاول هروی صوفی و... -، ام ابراهیم

فاطمه بنت عبدالله اصبهانی - از شمار شاگردانش ابو العلاء بن عطار و ابوموسی اصبهانی هستند - از زنان نامدار و محدثان عصر خود می‌باشند.

یکی از افتخارات زنان محدث در قرن‌هایی که ذکر شد، این است که هیچ زنی در این هشت قرن، هرگز به دروغ، جعل حدیث و روایت متهم نشده است؛ در حالی که شمار مردان متهم بیش از صدها نفر است. ذهبی در پایان کتابش «میزان الاعتدال» می‌گوید: «در جمع زنان کسی را سراغ ندارم، که متهم شده باشد و یا حدیثش را ترک و رد کرده باشند» (ذهبی؛ ۱۳۸۲: ۴/ ۶۰۴).

اما رفته‌رفته پس از قرن هشتم و نهم، میل و رغبت زنان از پرداختن به روایت حدیث، کم‌رنگ شده غیر از چند راوی انگشت‌شمار اقبال و توجه عمومی سابق دیده نمی‌شود. شاید علتش روی آوردن زنان به فراگیری کتاب‌های شش‌گانه حدیثی، علی‌الخصوص صحیح بخاری باشد، در مطلب بعدی روی این قضیه تمرکز خواهد شد.

توجه خاص زنان به صحاح سته

صحاح سته / کتاب‌های شش‌گانه حدیثی، اصطلاحی است که خبره‌گان علم حدیث، به شش کتاب مهم اطلاق کرده‌اند. این کتاب‌ها عبارت‌اند از صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داوود، جامع ترمذی، سنن نسائی و سنن ابن ماجه؛ در این کتاب‌ها احادیث پیام‌بر گردآوری شده و از بدو تألیف و تصنیف تا کنون در میان اُمت اسلامی از مقبولیت و پذیرش خاصی برخوردار بوده‌اند. در صحاح سته روایات بسیاری از راویان زن نقل شده، که با تتبع در کتاب‌های تحفة‌الاشراف، تهذیب‌الکمال از علامه مزی و تقریب‌التهذیب از حافظ ابن حجر عسقلانی معلوم می‌شود، که مجموع روایات راویان زن در کتاب‌های صحاح سته حدود ۲۷۶۴ حدیث است، که از آن جمله ۲۵۳۹ از راویان زن صحابی - از این شمار ۲۰۸۱ حدیث از ام‌المؤمنان عایشه است - و حدود ۲۲۵ روایت از سایر زنان - غیر صحابی - می‌باشد (حمید؛ ۱۴۲۸: ۲۵۱).

پس، بنابر اهمیتی که این منابع ارزش‌مند حدیثی دارند، در طول تاریخ زنان بسیاری به تعلیم و تعلم آن‌ها پرداخته و در این حوزه به شهرت رسیده‌اند؛ به عنوان مثال:

۱. فاطمه بنت الهادی (متوفای ۸۰۳ هـ.ق.)؛ از زنانی است که با سند عالی صحیح بخاری را از دو استاد ابن زبیدی و حجار فراگرفته و استاد حافظ ابن حجر عسقلانی است؛

۲. کریمه مروزیه؛ اولین بانویی است که در قرن پنجم هجری صحیح بخاری را تدریس می‌کرد؛

۳. فخر النساء شهده بنت احمد البغدادی؛ از اولین زنانی است که به مصر رفته و در آن‌جا صحیح

بخاری را تدریس کرد؛

۴. آمنه بنت محمد بن الحسن؛ کتاب سنن ابو داود را نزد پدرش آموخت، ابن عساکر می گوید: «آمنه بنت محمد با کنیه ام محمد، دختر خاله ام و همسر پسر خاله ام قاضی ابوالحسن است، این بانو کتاب سنن ابو داود را از پدر بزرگ مادری اش قاضی ابو الفضل یحیی بن علی القرشی فرا گرفت و معروف است که پدرش این کتاب را برای او دست نویس می کرد» (ابن عساکر؛ ۱۴۱۵ق: ۴۵/۶۹)؛

۵. ام فتح، فاطمه بنت ابی القاسم انصاری اندلسی؛ کتاب های صحیح مسلم، سیره ابن هشام، الکامل از مبرّد و نوادر البغدادی را همراه با پدرش از مشایخ و استادان معروف فراگرفته و تدریس می کرد؛

۶. شرف النساء بنت الابنوسی؛ احادیث و روایات بی شماری از پدرش فراگرفته و برای دیگران نقل و روایت می کرد. حافظ منذری می گوید: «من از پدر شرف النساء حدیث شنیدم و این بانو نیز برایم احادیثی روایت کرد و ما از او اجازه روایت گرفتیم» (بن عزوز؛ ۱۴۲۳ق: ۳۳).

۷. فاطمه بنت محمد؛ همسر علامه ذهبی، بانویی صالحه و عابده بود و علم حدیث را از شوهرش فرا گرفت و شخصیت هایی چون حافظ تقی الدین ابن رافع، ابراهیم مخزومی و هدیه بنت عسکر و... از تلامیذ معروف وی به شمار می آیند؛

۸. ام العز بنت محمد العبدری؛ دو مرتبه، کل صحیح بخاری را لفظ به لفظ نزد پدرش قرائت نمود، هم چنین گفته شده وی حافظ کل قرآن کریم بود؛

۹. خدیجه بنت عبدالله اندلسی؛ همراه با پدرش صحیح بخاری و کتاب های حدیث دیگری را نزد شیخ ابوذر عبد بن احمد الهروی فرا گرفت؛

۱۰. فاطمه بنت احمد الفاسی البدوی؛ کل صحیح بخاری را در پنج جلد دست نویس کرد و حواشی و پاورقی های مفیدی بر آن نگاشت (همان: ۶۹).

به همین ترتیب، صفحات تاریخ مملو از بانوانی کریمه است، که در فراگیری و تدریس کتاب های حدیث از جمله صحاح سته، تلاش فراوان نموده و یاد و خاطر گرامی شان در منابع تاریخی و کتاب های شرح حال نویسان ثبت شده است. ابن بطوطه در سفرنامه مشهورش می نویسد: «در سفری که به دمشق رفته بودم، روزی به دیدن مسجد اموی رفتیم، در آن جا تعدادی از بانوان محدث _ مثل زینب بنت احمد و عایشه بنت محمد حرانی و... _ را مشاهده کردم که حلقه تدریس حدیث دایر کرده بودند و شاگردان بسیاری پیرامون شان گردآمده بودند» (ابن بطوطه؛ ۱۴۱۷ق: ۸۳۷/۱).

زنان و نقد روایات و راویان

نقد حدیث به معنای تمییز احادیث صحیح از ضعیف و تمییز راویان معتمد از غیر معتمد و مخدوش است. از آن جایی که پیامبر برای بقا و حفظ این دین تا قیامت، به حفظ و نشر قرآن و سنت

دستور داده بود، در کنار آن از عواقب کذب نیز برحذر داشته برای پیش‌گیری از جعل و تحریف احادیث دستوراتی اکید دارد؛ چنان‌که در حدیثی می‌فرماید: «من کذب علی متعمداً فلیتبوأ مقعده من النار» (بخاری؛ ۱۴۲۲: ۱ / ۵۵). ترجمه: هر کس از روی عمد بر من دروغ ببندد، جای‌گاهش را دوزخ بداندبه همین سبب، صحابه و تابعین و محدثان عصرهای بعدی به جهت حفظ میراث صحیح حدیث، در این رابطه شدت زیادی به خرج داده و در پذیرش یا رد روایتی بیش از حد دقت می‌کردند. آنان هرگاه روایتی را می‌شنیدند، حتماً با فهم‌شان از مفاهیم کلی قرآن و روایاتی که با سند صحیح از پیام‌بر شنیده بودند، مقایسه کرده و صحت و سقم آن و وضعیت راویان را مورد سنجش قرار می‌داند؛ از این‌رو نقد حدیث و علم جرح و تعدیل راویان از علوم مهم به شمار رفته شخصیت‌های بزرگی در این حوزه کار کرده‌اند؛ اما در رابطه به این‌که آیا نقد زنان در حوزه روایت و راویان مشروعیت دارد یا خیر؟ در این‌جا دو دیدگاه قابل طرح است:

۱. عدم پذیرش نقد زنان؛ این دیدگاه را ابوبکر الباقلانی از بسیاری از فقه‌های مدینه نقل کرده که بیان‌گر تشدد آنان در این موضوع است؛

۲. پذیرش نقد زنان؛ رأی و نظر جمهور این‌است؛ چنانچه که روایت زنان پذیرفته می‌شود، نقد آنان نیز در رابطه با متن حدیث و راویان معتبر است (الغزالی؛ ۱۹۸۷ق: ۱/۱۶۲)؛ بنابراین، زنان به اهمیت این علم پی‌برده و با آزادی‌یی که در این‌باره داشتند، از این بر بی‌نصیب نمانده‌اند و سهم قابل توجهی دارند.

اولین زنی که به نقد روایت مبادرت کرد، بانو ام المؤمنان عایشه است و با توجه به علم، ذکاوت و فهم عمیقی که داشت، در این فن برای بعدی‌ها به حیث استاد و پیش‌کسوت به حساب می‌آید. وی هرگاه از کسی روایت و یا برداشت نادرستی از احادیث و یا استنباط غلطی از آیات قرآن می‌شنید، فوراً مداخله کرده مسأله را اصلاح می‌کرد؛ به عنوان مثال، در روایتی از ابوهریره نقل شده که پیام‌بر فرمودند: «لأن یمتلی جوف أحدکم قیحاً و دماً، خیر له من أن یمتلی شعراً» (طحاوی؛ ۱۴۱۴ق: ۲۶۶). ترجمه: «اگر شکم یکی از شما پر از چرک و خون باشد، بهتر است از این‌که پر از شعر باشد». وقتی این روایت به عایشه رسید، گفت: ابوهریره این حدیث را درست حفظ نکرده؛ بل که پیام‌بر فرمودند: «لأن یمتلی جوف أحدکم قیحاً و دماً، خیر له من أن یمتلی شعراً هجیت به (همان‌جا)». ترجمه: «اگر شکم یکی از شما پر از چرک و خون باشد، بهتر است از این‌که پر از شعری باشد که من در آن هجو شده‌ام». عایشه این روایت را چنین تصحیح کرد (همان‌جا). از این دست روایات دیگری نیز وجود دارد که مادر مؤمنان عایشه به تصحیح احادیث پرداخته با رأی برخی از صحابه مخالفت کرده است.

نیز روایات بسیاری از نقد و جرح و تعدیل توسط زنان دیگر نقل شده که نام اسماء بنت ابوبکر، ام عمر الثقفیة، فاطمه بنت امام مالک و... در صدر قرار دارد.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش را به طور خلاصه و نکته وار، می توان چنین بیان داشت:

۱. پیامبر خدا، به آموزش و تعلیم زنان و مشارکت شان در مجالس علمی و آموزشی اهتمام و توجه خاص داشت؛
۲. پس از وفات پیامبر، نه تن از همسران ایشان حیات داشتند و هر یکی به نوبه خود در تعلیم و انتشار احادیث آن حضرت (ص) و تدریس آن به سایر زنان سهم عمده ای داشتند؛
۳. از میان همسران پیامبر، سهم سیده عایشه بسیار بارز بوده از راویانی به شمار می رود، که بیش از هزار حدیث از وی منقول است؛
۴. در قرن های دوم، سوم و عصرهای بعدی زنان صحابی، تابعی و... نیز به حفظ و انتشار حدیث همت کردند و نمونه های بارزی در کتاب های معتبر رجال و شرح حال نویسان مذکور است؛
۵. توجه و عنایت زنان به صحاح سته و تدریس آن ها به سایر زنان و مردان، شاه کاری بوده، که بسیاری از مشایخ و بزرگان علم حدیث، کتاب هایی را از استادان زن فرا گرفته اند؛
۶. نقش آفرینی زنان تنها به حفظ و روایت حدیث محدود نمی شود؛ بل که در میدان نقد حدیث و جرح و تعدیل راویان نیز سهم به سزایی داشته اند؛
۷. با توجه به جای گاه و اهمیت علم حدیث، می طلبد که زنان عصر ما، خصوصاً بانوانی که در دانش کده های شرعیات تحصیل می کنند، به علم حدیث توجه و عنایت بیش تری داشته باشند، و با مطالعات و پژوهش های حدیثی، چراغ این دانش با ارزش را مجدداً در میان زنان برافروزند.

سرچشمه ها

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد. (۱۴۱۷). **رحلة ابن بطوطه** (تحفة النظائر في غرائب الأمصار وعجائب الأسفار). رباط: أكاديمية المملكة المغربية.
۳. ابن عساکر، أبو القاسم علی بن الحسن. (۱۴۱۵ق). **تاریخ دمشق**. دوره ۸۰ جلدی. بیروت: دارالفکر.
۴. ابن منظور الأنصاری، أبو الفضل، جمال الدین. (۱۴۱۴). **لسان العرب**. بیروت: دارالصادر.

۵. احمدیان، ملا عبدالله. (۱۳۹۹). **کلید حدیث‌شناسی**. تهران: نشر احسان.
۶. اعظمی، محمد ضیاء الرحمان. (۱۴۰۳ق-۱۹۸۳م). **دراسات فی الجرح و التعديل**. مدینه منوره: مكتبة الغرباء الأثرية.
۷. البرماوی، شمس‌الدین. (۱۴۳۳ق-۲۰۱۲م). **اللامع الصبیح بشرح الجامع الصحیح**. سوریه: دارالنوادر.
۸. الحاکم، ابو عبدالله محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). **المستدرک علی الصحیحین**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۹. السیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر (جلال‌الدین). (۱۴۱۴ق). **تدريب الراوی فی شرح تقریب النواوی**. ریاض: مكتبة الکوثر.
۱۰. العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر. (۱۴۲۱ق). **نزهة النظر** (شرح نخبة الفكر). دمشق: مطبعة الصباح.
۱۱. الغزالی، ابو حامد. (۱۹۸۷م). **المستصفی**. کراچی: ادارة القرآن و العلوم الإسلامية.
۱۲. الغوری، سید عبدالماجد. (۱۴۳۷ق). **المدخل إلى دراسة السنة النبوية**. مالزیاء: معهد دراسات الحديث الشریف.
۱۳. المزی، جمال‌الدین ابی الحاج. (۱۹۸۳م). **تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۴. المزی، یوسف بن عبدالرحمن. (۱۹۸۸م). **تهذیب الکمال فی أسماء الرجال**. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۵. بخاری، محمد بن إسماعیل. (۱۴۲۲ق). **صحیح البخاری**. سعودی: دار الطوق النجاة.
۱۶. بن عزوز، محمد. (۱۴۲۳ق). **صفحة مشرقة من عناية المرأة بصحيح الإمام البخاری**. بیروت: دار ابن حزم.
۱۷. بنت الحسین، آمال قرداش. (۱۴۲۰ق). **دور المرأة في خدمة الحديث في القرون الثلاثة الأولى**. قطر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية.
۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۹۹۸م). **الجامع الكبير** (سنن ترمذی). بیروت: دار الغرب الإسلامي.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). **الصحاح** (تاج اللغة و صحاح العربیة). بیروت: دارالعلم للملایین.

۲۰. ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد. (۱۳۸۲ق). **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**. بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر.
۲۱. ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد. (۱۴۲۷ق). **سیر أعلام النبلاء**. قاهره: دارالحديث.
۲۲. روزنتال، فرانز. (۱۹۸۳م). **علم التاريخ عند المسلمين**. ترجمه: صالح احمد العلی. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۳. سجستانی، ابو داوود سلیمان. (۱۹۸۱م). **سنن ابو داوود**. ترکیه: دار الدعوة.
۲۴. طحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامه. (۱۴۱۴ق - ۱۹۹۴م). **شرح معانی الآثار**. مدینه: عالم الكتب.
۲۵. عتر، نورالدین. (۱۴۲۲ق - ۲۰۰۱م). **اصول الجرح و التعديل و علم الرجال**. دمشق: دارالیمامة.
۲۶. عثمانی، علامه محقق ظفر احمد. (۱۳۹۲ق). **قواعد فی علوم الحديث**. بیروت: دار القلم.
۲۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶ق - ۲۰۰۵م). **القاموس المحيط**. بیروت: دار الجیل.
۲۸. نیشابوری، مسلم بن الحجاج. (۱۹۸۱م). **صحیح مسلم**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.